

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸

صص ۹۸-۱۱۵

تغییرات مدل‌های ژئوپلیتیکی امنیت در عصر حاضر

دکتر کیومرث یزدان‌پناه درو* - مدرس جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد واحد گرمسار

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۲۶

چکیده

در مطالعه مباحث امنیتی، چه از روشهای مطالعاتی گسترده و شامل تغییرات سیاسی و تکاپوی آکادمیک، و چه از روشهای محدود و کلاسیک قدیمی که بیشتر بر مسائل نظامی تأکید دارد، و یا اینکه روشهای نظری مدرن استفاده شود، روشن است که فرضیه‌های ژئوپلیتیکی با هر یک از این روشها برای آغاز مطالعات امنیتی جهان با توجه به روند تحولات جهانی، نیاز به بازنگری و ژرف‌اندیشی عالمانه و دسته‌جمعی دارد.

این پژوهش ضمن تشریح چشم‌اندازهای امنیتی جهان و متغیرهای آن در عصر حاضر، با رویکردی نو و واقع‌گرایانه بر اساس نوع و ماهیت تحولات امنیتی در جهان و بهره‌گیری از اندیشه‌های ژئوپلیتیکی مدرن که در دنیای امروزی نقش اساسی را در طراحی برنامه‌های استراتژیکی و سیاست خارجی هر واحد سیاسی مستقل و شناخته شده بر عهده دارد، ارائه می‌گردد. دو پرسش مهم در این پژوهش عبارتند از: ۱- چرا امروزه امنیت جهانی و به تبع آن امنیت مناطق تابع متغیرهای ژئوپلیتیکی است؟ ۲- تغییرات مدل‌های ژئوپلیتیکی تا چه اندازه در امنیت تأثیرگذار بوده و متعاقب آن همسانی‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییر دائم است؟

واژه‌های کلیدی: امنیت، مدل‌های ژئوپلیتیکی، ستیزها و نزاع‌ها، نظام بین‌الملل.

مقدمه

از میان مسائل و مطالعات متعدد ژئوپلیتیکی و به‌رغم محبوبیت چشم‌گیر مباحث مربوط به سیاست‌های جهانی‌سازی و جهانی‌شدن، بحث تغییرات مدل‌های ژئوپلیتیکی و تأثیر آن بر امنیت از جذابیت‌های خاصی برخوردار است که همچنان در سطوح عالی، مد نظر اندیشمندان این حوزه قرار دارد. این موضوع از آن جهت در خور توجه است که از نگاه بسیاری از ژئوپلیتیسین‌ها در دوره حاضر همسانی‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییرات مستمر بوده و دیگر نمی‌توان دل به فرایندهای قدیمی بست. وقایع اقتصادی اخیر در جهان و وقوع ناگهانی بحران مالی در دنیا باعث شد یکبار دیگر چالش‌های غیر قابل پیش‌بینی بر فرضیه‌های از پیش تعیین شده پیشی بگیرد. در این رویدادهای جهانی که می‌توان از آن به‌عنوان رقابت‌های ژئواکونومیکی تحت عنوان موضوعی جدید یاد کرد، در بیان مسئله برای این تحقیق انتخاب شده است.

به عبارت دیگر ستیز مداوم و فجایع انسانی در بسیاری از نقاط جهان بنا به هر دلیلی، ماهیت تغییرات ژئوپلیتیکی و امنیت را واضح‌تر از گذشته پیش روی ما قرار داده است. از دزدی‌های دریایی در حوض‌های آبی آفریقا (سومالی) گرفته تا دامنه نامنی‌های داخلی در پاکستان یکبار دیگر نظریه دهه ۹۰ ساموئل هانتینگتون را مبنی بر «جدال ابدی تمدن‌ها» بر سر زبانها آورده است.

مقاله حاضر ابتدا به دلایل شکل‌گیری متغیرهای ژئوپلیتیکی امنیت می‌پردازد سپس ساختار ژئوپلیتیکی امنیت را بنا بر جدیدترین داده‌های آن مورد بررسی قرار خواهد داد.

سوالات تحقیق

۱. «بررسی‌های امنیتی» و نه روابط بین‌الملل و همچنین بررسی‌های استراتژیک از ویژگی‌های بسیار متفاوتی نسبت به روشهای سنتی گذشته برخوردار شده‌اند. لذا این سؤال مطرح است که با توجه به اینکه امنیت مفهوم قدیمی خود را به کلی از دست داده و تنها به حفاظت محدود انسانها به‌واسطه دولتها در ازای پرداخت هزینه‌های گزاف، محدود و منحصر نمی‌شود، در

امنیت جهانی بازیگران به دنبال تبیین چه مفاهیمی از امنیت هستند؟
 ۲. نقش ژئوپلیتیک به عنوان علمی که ریشه در تبیین فرایندها دارد، با این شرایط چه رابطه‌ای می‌توان میان مفاهیم قدیم و جدید امنیت برقرار برقرار کرد؟

مفاهیم و اصطلاحات

تردیدی نیست که سهم متغیرها و الزامات ژئوپلیتیکی در مطالعات امنیتی بسیار اهمیت پیدا کرده است. می‌توان گفت مفهوم نظام امنیتی تحت تأثیر عناصری همچون چگونگی مدیریت دنیای مدرن و متحول شده، اقتصاد جهانی، چالشهای قومی، و از همه مهمتر آشوبها و نابسامانی‌های آتی و نابودی محیط زیست قرار دارد. لذا در کنار تمام تدابیر امنیتی تعریف شده و تبیین شده در عصر حاضر، دغدغه‌های امنیتی در بسیاری از مناطق جهان به اوج خود رسیده است. از طرفی دیگر مفاهیم امنیتی به سبب آنکه راههایی که موجب تغییر و دگرگونی می‌شوند کاملاً مبهم بوده و نوعی بی‌نظمی و آشفتگی بر آن حاکم شده است. البته این دغدغه‌ها برای قدرتهای بزرگ هم به عنوان یک چالش جدی در قرن آتی مورد توجه است. هر یک از دولتها نیز امروزه تعابیری کاملاً اختصاصی از امنیت دارند و آنرا بر اساس مصالح حکومت‌داری، طراحی و اجرا می‌کنند. این مسئله خود نیز بر مفاهیم سنتی یا کلاسیک امنیت سایه افکنده است. یافته‌های اتل سالینگن^۱ نشان می‌دهد که دولتهایی که در استراتژی بلند مدت خود قراردادهای بلند مدت اقتصادی را دنبال می‌کنند از ثبات امنیتی بهتری برخوردارند، که در پاسخ به سؤال اول قابل طرح هستند.

مهمترین مفاهیمی که در این رابطه مطرح می‌شوند، عبارتند از: مفاهیم تلفیقی و تبیینی امنیت بشر، دستورالعمل‌های مربوطه و نقش سازگاری و یا عدم سازگاری مفاهیم ژئوپلیتیکی مدرن با مؤلفه‌های امنیتی است. لذا هرچه مفاهیم مربوط به امنیت بشر پیچیده‌تر باشد و دستورالعمل‌های آن گسترده‌تر، به همان میزان نقش عوامل ژئوپلیتیکی بویژه عوامل متغیر آن شفاف‌تر می‌شود. لذا واضح است که سؤالاتی در زمینه صلح و امنیت و واقعیات سازماندهی نیروهای درگیر در ایجاد امنیت، از جمله نیروهای نظامی و انتظامی مطرح شود و جایگاه این

^۱ - Etel Solingen

عناصر در چشم‌اندازهای علمی و سیاسی باید مشخص شود. لذا واژه امنیت در مفهوم یاد شده، بیانگر ماهیت استراتژیک آن و اثرات به هم پیوسته‌ای است که در شکل جدید نگرشی سیستمی و منظم به امنیت بشر دارد و ساختار نظام ژئوپلیتیکی جهان نیز با درک ساختاری مواجه می‌باشد. مهمترین عنصر آن نیز قدرت و محیط هستند که اثر متقابل بر مفاهیم جدید امنیتی دارند.

مبانی نظری تحقیق

سیمون دالبی^۱ با اشاره به ساختار ژئوپلیتیک یکپارچه، مستقیماً در یک مقطعی به موضوع امنیت و معنای این واژه در سیاست جدید می‌پردازد. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که امروزه، امنیت بین‌الملل کمتر مورد توجه است و این برای آینده بشری بسیار خطرناک است. یکی از دلایل این پیامد، نتیجه مجادلات و مناظرات قدرتهای تأثیرگذار از بعد از پایان جنگ سرد تا پایان قرن بیستم می‌باشد که متعاقب آن فرضیه‌های متفاوتی در خصوص امنیت جهانی ارائه شد و موجب شد تا امروزه نتوان به هیچ یک از مفاهیم و مبانی نظری این تعاریف به‌طور مطلق اطمینان کرد. تمامی اینها بیانگر عدم اطمینان و ثبات درباره آینده امنیت جهانی هستند. این حس بی‌ثباتی خود بخشی از ناامنی موجود در نگرانی‌های سیاسی امروزی را شامل می‌شود (روزنیو، ۲۰۰۶).

این ناامنی را امروزه به آشوب‌طلبی تعبیر می‌کنند و روز نیو^۲ آن را مصداق جهان آشوبگر و آشوب زده می‌داند. این نکته بخش مهم و اساسی مناظرات فلسفی و شیوه‌های شناختی مربوط به امنیت جهانی را به خود اختصاص داده است. در نهایت مناظرات آکادمیک در حیطه ژئوپلیتیکی نیز به جمع این رویکردها اضافه شده است. اما مطالعه طیف شناخته شده از صاحب‌نظران ژئوپلیتیکی نشان از تنوع دیدگاهها بر سر مفاهیم امنیت جهانی و عدم توافق ژئوپلیتیکی به انضمام مناظرات وسیع درباره مفهوم امنیت دارد. این موضوع مربوط به عصر حاضر نیست بلکه از مطالعه دیدگاههای بزرگان ژئوپلیتیکی از دوران جنگ سرد تا به امروز

^۱ - Simon Dalby

^۲ - Rooz Niw

می‌توان سیر تدریجی این اختلاف نظرها را به خوبی حس کرد. اما امروزه یک نکته مشترک می‌توان در دیدگاهها پیدا کرد، آن‌هم عبارت است از اینکه امنیت از نگاه ژئوپلیتیسین‌ها یک مطلوب سیاسی اثرگذار به‌شمار می‌آید.

بحث عنوان شده در این مقاله حاکی از آن است که در تعمق در خصوص یافته‌های امنیتی بیشتر بر مفاهیم آکادمیک آن تأکید شده و اینکه تغییرات ژئوپلیتیکی چگونه و تا چه حد بر این فرآیندها تأثیر گذار است؟ و به‌طور کلی می‌توان گفت با پایان جنگ سرد و شکل‌گیری عصر جدید ژئوپلیتیکی در سطح جهان و جهان سیاسی شده تغییرات گسترده‌ای بوجود آمد که می‌توان از آن به عنوان عصر تغییرات ژئوپلیتیکی و ظهور شیوه‌های نوین امنیتی یاد کرد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

۱. عوامل و تحولات جهانی و نظام بین‌المللی نظیر ساختار سیاسی - امنیتی جهان حاضر؛
۲. عوامل داخلی و شرایط سیاسی - امنیتی حاکم بر واحدهای سیاسی؛
۳. مهاجرت داخلی و خارجی؛
۴. کنش و رفتارهای متقابل کشورها در مقابل یکدیگر؛
۵. نقش منابع حیاتی مثل نفت و گاز و آب و دیگر ذخایر انرژی؛
۶. خطرات تروریسم بین‌الملل و مواد مخدر؛
۷. غذا.

تغییرات مدل‌های ژئوپلیتیکی امنیت

در این بررسی با الگوهای جدید، مدل‌های ژئوپلیتیکی و ساختار نوین آن بویژه تأثیراتی که بر رویکردهای امنیتی دارد، پاسخ سؤال دوم ارائه می‌شود. در این رابطه دو الگوی جدید وجود دارد: الگوی نظم جدید و الگوی بی‌نظمی جدید. این موضوع را می‌توان هم در دیدگاههای منتقدان سیاست‌های جنگ سرد و آثار و تبعات آن بر سرنوشت امنیتی جهان مشاهده کرد و هم اتفاقات برق‌آسایی که در حوزه‌های سیاسی چه از بعد داخلی آن و چه از بعد پیرامونی آن اتفاق می‌افتد، درک نمود. زیرا هنگامی که تنش‌های جنگ سرد فروکش کرد و زمانی که سیاست‌های ابداعی میخائیل گورباچف (رهبر شوروی سابق) در دهه ۱۹۸۰م. باعث تغییر

سریع و ناگهانی ساختار اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش پانزده کشور جدید در نقشه سیاسی جهان شد، بار دیگر شیوه‌های جاری در ساختار امنیت ملی مورد انتقادهای جدی قرار گرفت. شایان ذکر است که مورد مشابه اتفاق دهه ۱۹۸۰ در اواخر دهه ۱۹۴۰ به اشکالی دیگر به وقوع پیوست. اما اکنون که بشر به‌طور کامل وارد دروازه قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی شده، چنین به نظر می‌رسد که خیلی سریع وارد نگرانی‌های شکننده امنیتی هزاره پیش رو شده است. تغییرات رفتارهای ژئوپلیتیکی یکی پس از دیگری دارند خود را نمایان می‌سازند. هنوز خطرات تلخ جنگهای جهانی اول و دوم و حوادث جنگ سرد از یاد نرفته که مخاطرات زیست محیطی، آینده تلخ و مبهم کره خاکی، ذخایر طبیعی و انرژی، جمعیت، غذا، گسترش لجام گسیخته شهرها و بروز حفره‌های متعدد امنیتی (که بعضاً غیرقابل کنترل و غیرقابل تحمل شده‌اند)، در کنار رفتارهای خطرناک بشری در تغییر رویه‌های مبارزاتی و جنگها از اصول کلاسیک آن در گذشته به اصول غیرقابل پیش‌بینی، لجام‌گسیخته و بدون اتکاء به هرگونه ارزش انسانی، به شدت نگرانی‌های امنیتی بشر در قرن ۲۱ را افزایش داده است. موارد متعددی در دستورالعملهای امنیتی نهادهای تأثیرگذار جهانی برای کنترل اوضاع امنیتی جهان مشاهده می‌شود، اما رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی بشر در کنار حوادث و بلایای نادر طبیعی (مثل سونامی در اندونزی) مجامع بین‌المللی را برای چاره‌اندیشی نسبت به آینده امنیتی بشر و جهان متغییر به تکاپو انداخته است (باب رو، ۱۹۹۵).

«باب رو» درباره مفهوم و هویت امنیت وسعت نظر بیشتری به خرج داده و آن را همچون اصطلاحات پزشکی که نقش کلیدی در سلامت بشر و درمان بیماریهای اساسی دارند، حیاتی می‌داند. اینجا می‌توان به جمله ارزشی برگرفته از کلام خدا اشاره کرد که می‌فرماید: «امنیت و سلامت دو نعمت پنهان هستند که انسان فقط در شرایط خاص قادر به درک آن است».

توسعه قلمرو امنیت

بررسی وضعیت حاکم بر جهان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشانگر این واقعیت است که هویت مفهومی امنیت دچار دگرگونی ساختاری شده است. به‌گونه‌ای که ترس از توسعه قلمرو جغرافیایی ناامنی بر بخشهای گسترده‌ای از جغرافیای جهان سایه افکنده است.

امروزه بازیگران عرصه جهانی دچار سرگیجگی خاصی هستند. هنوز راهکارهای لازم برای مبارزه با تروریسم پیچیده و لجام گسیخته به جایی نرسیده که دزدیهای دریایی تمام برنامه‌های مربوط به امنیت جهانی را تحت شعاع قرار می‌دهد. در این میان سنجش محیطی امنیت در سیاره به ظاهر امن زمین غیر ممکن شده است. با در نظر گرفتن این واقعیت در بخش امنیت محیطی، معین کردن صفت‌ها و نشانه‌های امنیتی حتی در حد یک انتخابات محلی و ملی هم به‌طور کامل و دقیق، قابل اجراء و پیش‌بینی نیست. مثلاً در دهه‌های گذشته مفاهیمی چون دموکراسی و حقوق بشر در کانون توجه عمومی قرار داشت اما اکنون مفهوم توسعه و ثبات در کانون توجهات قرار گرفته است و یکی از دغدغه‌های دولت‌ها، زدودن فقر در جامعه است. فقر در دنیای امروز یکی از محرکه‌های اصلی ناامنی در جهان است که تقریباً تمام کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته درگیر آن هستند. این موضوع باعث شده بخش اعظمی از نگاه‌های مطالعاتی در حوزه امنیت، به ژئوپلیتیک فقر در جهان متمرکز شود. زیرا جوامع امروزی با تهدیدهایی مواجه هستند که اتخاذ استراتژی فراگیر و هماهنگ را می‌طلبد.

سایر بررسی‌ها از مفاهیم امنیت، نشان از گستردگی و پیچیدگی آن در عصر حاضر دارد. توسعه قلمروهای امنیتی نشان می‌دهد که امروزه تمام جزئیات قدیمی از مفاهیم امنیت از اعتبار کاربردی افتاده‌اند. در دوران جنگ سرد، کشورهای غربی نگرانی‌های امنیت نظامی خود را با برنامه‌های اجتماعی در تمام ابعاد آن مقایسه می‌کردند. لذا برای درک امنیت در جهان امروزی نباید از ابعاد تاریخی این موضوع غافل بود. مهمترین توصیف در خصوص امنیت با مفاهیم جدید آن در سال ۱۹۹۴ در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد ارائه شد. این توصیف نشان داد که مفهوم امنیت بشری که بتواند بشر امروزی را قانع کند، حداقل چهار خصوصیت شاخص باید داشته باشد:

- ۱- امنیت مسئله جهانی است و به همه مردم جهان مربوط می‌شود؛
- ۲- اجزاء امنیت به هم پیوند و گره خورده‌اند؛
- ۳- با پیشگیریه‌های اولیه دستیابی به امنیت انسانی آسانتر می‌گردد؛
- ۴- تغییر هدف امنیت از کشور و دولت به سوی ملت و مردم می‌باشد. این مهمترین مطلب در موضوع مفاهیم امنیت در عصر حاضر است. به عبارت ساده‌تر امنیت بشر در عصر حاضر

در وهله اول مربوط می‌شود به ایمن بودن از خطرات مزمنی همچون گرسنگی، بیماری و سرکوبی و در وهله دوم به معنای حمایت از اختلالات ناگهانی و حوادث مخرب در جریان عادی زندگی می‌باشد (Le Billon, 2007: 561).

نتیجه این بحث این است که مفهوم امنیت امروزه باید بر روی مردم متمرکز شود و توجه از تسلیحات نظامی به توسعه قابل ملاحظه و مقبول بشری معطوف شود. نفی نظامی‌گری بخشی اساسی از دستورالعمل امنیت جهانی است. زیرا اگر همه ابزارهای مدرن نظامی به دست آید ولی امنیت مردمی فراهم نشود، در یک دامنه ناامنی داخلی تمام آن ابزار نظامی به تهدیدی داخلی برای سرنگونی حکومتها تبدیل می‌شود. لذا نفی نظامی‌گری به شیوه قرن بیستم بخشی از اهداف عصر جدید برای پیشبرد اهداف امنیتی در آینده خواهد بود. زیرا موارد متعددی امروز امنیت بشری را تهدید می‌کند که از بین بردن آنها و یا مبارزه با آنها تنها در گرو پیشرفت نظامی و یا داشتن حداکثر تجهیزات نظامی نیست. مرکز توسعه سازمان ملل متحد^۱ تهدیدات امنیت بشری در عصر حاضر را در هفت طبقه دسته‌بندی کرده است:

۱. افزایش بدون کنترل جمعیت؛
 ۲. تفاتتهای فاحش در توسعه اقتصادی کشورها؛
 ۳. کمبود غذا؛
 ۴. سلامت و بهداشت؛
 ۵. تنزل محیط زیست و کاهش کیفیت زمین؛
 ۶. مهاجرت‌های زیاد؛
 ۷. مواد مخدر و تروریسم بین‌المللی.
- این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که تهدیدات امنیت بشری بسیاری جدی و شکننده شده است. انسان باید این تهدیدات را جدی بگیرد و بدان توجه کافی نماید. «راسچایلد» راهکارهای مفیدی برای کاهش این تهدیدات و توسعه قلمرو امنیت ارائه داده است که عبارتند از:

- ۱- رو به پائین: یعنی توسعه مفهوم امنیت از امنیت کشوری به امنیت فردی و گروهی؛
- ۲- رو به بالا: یعنی توسعه امنیت از سوی مردم به سمت امنیت بین‌المللی و یا محیط

^۱ - United Nations Development Program (UNDP)

فیزیکی فراملی (خارج از مرزها)؛

۳- **افقی:** حرکت از سیستم امنیت نظامی به امنیت بشری، محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛

۴- **مراقبت از جایگاه و مفهوم حقیقی امنیت:** این مراقبت به این منظور است تا اهداف مربوط به توسعه توسعه تأمین امنیت تحقق یابد.

امنیت بشری

در مرور اجمالی و تازه در مباحث و مفاهیم امنیتی در جهان معاصر، معلوم می‌شود که تعریفی واضح و مشخص از مفهوم امنیت بشری وجود ندارد. البته این مسئله بیشتر درباره امنیت جهانی صدق می‌کند. در طول جنگ سرد اکثر حقوقدانان به سیاستمدارانی علاقه‌مند بودند که گرایش‌های فکری نظامی داشتند و این نشان دهند این واقعیت است که در دورا سخت جنگ سرد تفکرات غالب در عرصه امنیت ملی و جهانی، تفکر نظامی بود. اما امروزه آن‌گونه که پیداست امنیت بشر به‌عنوان مفهومی دانشگاهی، تغییر کاربری داده و اولویت‌ها سمت و سویی دیگر یافته‌اند. البته پیش‌زمینه‌های این تفکر در دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد و شرایط آرام برای تغییر مفهوم امنیت نمایان شد. «دیوید بالدوین» در این باره می‌گوید: که امنیت دیگر به عنوان مفهومی تحلیلی هیچ کارایی ندارد. زیرا به قدری به علل تعدد و تراکم مفاهیم سیاسی مورد استفاده قرار گرفته که معنای هسته‌ای خود را از دست داده است.

جدای از این مسأله، دو استدلال روشن و قراردادی در مورد این فرضیه‌ها وجود دارد که توسعه دستورالعمل امنیت را ضرورتاً روش مناسبی برای تأمل درباره مسائل ژئوپلیتیکی معاصر پنداشته است.

اول: نگرانی تحلیل‌گران رئالیستی و قدیمی امنیت ملی است که معتقدند دستورالعمل در جهت رفع مسائل نظامی (به مفهوم گذشته) گام بر می‌دارد. یعنی ساختار و اهداف همان است، فقط تاکتیک‌ها تغییر کرده است. این استدلال حاکی از این است که استراتژیهای نظامی و دفاعی همچنان حوزه اصلی و مناسب تفکرات استراتژیکی باقی بمانند ولی اهداف با رویکردهای جدید و تغییرات تاکتیکی دنبال شود.

دوم: در این استدلال دستورالعمل و شیوه راهکارهای جدید امنیتی به شکل طعنه‌آمیز، با استدلال اولیه به مخالف می‌پردازد. این استدلال بر این باور استوار است که روش‌های نظامی وسیله مناسبی برای مواجهه با پیچیدگی‌های امنیتی عصر حاضر و عناصر و ابزارهای برهم‌زننده امنیتی آن نیستند، بنابراین باید روشهای جدیدتری را جایگزین کرد. لذا یافتن راهکارهای مهم در این زمینه بسیار ضروری و حیاتی است. بویژه در ارتباط با مسائلی مثل محیط زیست، حقوق بشر، اقتصاد و وضعیت مالی مردم جهان و به‌طور مسلم ابزارها و تفکرات صرف نظامی پاسخگوی تهدیدات امنیتی به اشکال فوق نیست.

یعنی امروزه بشر باید تهدیدات فرضی را کنار گذاشته و برای مقابله با تهدیدات عینی خود را آماده کند و مسلماً توانایی سیاسی تعریف و تعیین دسته‌جمعی یک پیامد یا تهدید یکی از نقش‌های کلیدی فرآیند امنیت است. توانایی تعیین خطر و بسیج نمودن «ما» در برابر تهدید فرضی «آنها» همواره یکی از مسائل بنیادین سیاست محسوب می‌شود که باید به آن توجه کافی نمود.

نظریه «کارل اشمیت» درباره اینکه تشخیص دوست از دشمن یکی از مسائل اصلی سیاست است، چنین می‌گوید: معمولاً در مباحث امنیتی عصر حاضر بویژه امنیت داخلی، خطر و تهدید را که از موضوعات مهم امنیتی هستند، باید جدی گرفته شود. زیرا این دو عامل ریشه در عمق گرایش‌های اجتماعی داشته و معمولاً هم قابل پیش‌بینی نیستند (اشمیت، ۲۰۰۶). از طرفی دیگر گاهی بر اثر یک حادثه کوچک مثل: یک اقدام ناشیانه پلیس در قتل یک شهروند، یا اعتراض به یک تصمیم ساده دولتی، تهدید به شدیدترین حالت خود در درون واحد سیاسی تبدیل می‌شود. در چنین حالتی که معمولاً عوامل تهدید از نیروهای درونی هستند، اشکال برخورد و دفع آن بسیار سخت و هزینه‌بر خواهد بود.

با این حال بررسی ارزشهای سیاسی امنیت در عصر حاضر یکبار دیگر، نقش عوامل غیرنظامی و نامرئی، بویژه عناصر سیاسی امنیت را در عصر حاضر گوشزد می‌نماید (بوفر، ۱۳۶۶).

بنابراین تهدیدات و خطرات و کسی یا چیزی که مورد تهدید واقع می‌شود در شرایط خاص یک موضوع سیاسی است، نه شناخت واقعیت‌های جهان کنونی که می‌توان آنرا از طریق تجزیه و تحلیل عقلانی بیان کرد. لذا نتیجه می‌گیریم امنیت به جای اینکه بخشیده شود، ایجاد

می‌شود. و یا اگر ضرورت‌های امنیتی ایجاد کند به واسطه عوامل مداخله‌گر ایجاد خواهند شد. مثل عراق، افغانستان و حتی پاکستان (Colin S, 1999).

امروزه شاهد حضور گسترده تهدیدات، خطرات و آسیب‌های پیچیده امنیتی در زندگی بشری هستیم که کار امنیت بشری را سخت کرده است. یعنی دست‌اندرکاران امنیتی باید حتی کوچک‌ترین عناصر و عوامل آسیب‌زننده به امنیت ملی مثل امنیت محلی در واحدهای کوچک را هم مد نظر خود قرار بدهند. از طرفی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک در عصر حاضر، رابطه مستقیمی میان امنیت و ژئوپلیتیک بوجود آمده است. ژئوپلیتیک دانش درک واقعیت‌های جغرافیایی به منظور دستیابی، پاسداشت و قدرت افزونی در مناسبات واحدهای سیاسی است به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد نقش‌آفرینی منطقه‌ای و جهانی شد و از طرفی لازمه چنین درکی وجود امنیتی مقتدر در عرصه داخلی است. در واقع ژئوپلیتیک که وظیفه شناساندن تأثیرات عوامل جغرافیایی بر روابط میان واحدهای سیاسی را دارد، امنیت مقدمه برقراری چنین رابطه معناداری است. حال ممکن است جایگاه مذکور قدرت‌زا باشد یا کاهش قدرت ملی شود. یعنی هم تأثیر مثبت در این ارتباط دوجانبه نهفته است و هم تأثیرات منفی. زیرا در جهان امروزی در بسیاری از موارد موقعیت قدرت‌افزایی برای بازیگران مؤثر، تابعی از راهبر نظام امنیتی آن کشور یا دولت است. نقش نباید آن را دست‌کم گرفت. پس نتیجه می‌گیریم که ژئوپلیتیک برتر در عصر حاضر نیازمند امنیت مقتدر و برتر است و تمام متغیرهای امنیتی در عوامل متغیر و ثابت ژئوپلیتیکی تأثیرگذارند (مرادی، ۱۳۸۷).

تحقیقات نوین امنیتی

در حقیقت و به‌طور دقیق اگر به پیشینه این تحقیق توجه کنیم، معلوم می‌شود که تمدن‌شناسان نیز امروزه به این نکته توجه دارند که امنیت یک حقیقت مربوط به طبیعت نیست، بلکه مربوط به تمدن بشر است. برای امنیت اصولی قائل هستند. بر همین اساس باید اشاره شود که امنیت نه در هستی‌شناسی موجودات پیش‌بینی شده و نه یک هدف تعیین‌کننده است، بلکه سرآغاز بسط و گسترش و چگونگی باب گفتگو درباره خطرات و گرفتار شدن‌هاست. تحقیقات جدید دانشگاهی در کالج‌های آمریکایی، نشان می‌دهد که انسان‌های مدرن امروزی که در دو دایره ثروت و قدرت

گرفتارند به مراتب خشن‌تر از و خطرناک‌تر برای حال و آینده جهان هستند (نوری دلوئی، ۱۳۸۵).

در گستره این تحقیقات باید به این نکته نیز اشاره کرد که انسان عصر پست مدرن خود را بیش از حد گرفتار داشته‌های خطرناک نظامی - امنیتی کرده که دیگر تنها موجودیت تهدیدات مرزی و زمینی را نمی‌توان ملاک قرار داد، بلکه رفتارهای مبتنی بر تفکرات خشن امروزی را که ممکن است در شکلی کاملاً غیر متمرکز، ناشناخته و لجام گسیخته بروز بدهد، نگرانی‌ها را دامن می‌زند. یعنی اگر روزی یکی از انبارهای انباشته از سلاح‌های غیرمعارف و اتمی به دست عناصر خود سر و عمدتاً هرج و مرج پذیر بیفتد، آنوقت چه حالتی را می‌توان برای امنیت بشری تصور نمود. بویژه که عمده این رفتارها نیز آمیخته اندیشه‌های ایدئولوژیکی است. البته مسائل جدیدی هم حول و حوش مباحث و تحقیقات امنیتی و برنامه‌های مرتبط با تدوین امنیت بشر در قرن ۲۱ با ابعادی وسیع‌تر و جامع‌تر مورد توجه قرار گرفته است. مباحثی همچون سیاست‌های جدید امنیتی - نگاه واقع‌بینانه به عوامل تهدیدزا - شیوه مداخلات در واحدهای ناامن - خط و مشی‌های ایمن‌سازی حیات بشری - و چگونگی گسترش قلمرو امنیت، از موضوعاتی هستند که در چارچوب عقاید روشنفکرانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

این مباحث با رهنمودهای روشن و دقیقی که بتواند مفاهیم را برساند، پیگیری و دنبال می‌شود. در حقیقت این مطالعات، شیوه‌های سنتی و محدود کننده را کنار گذاشته و با در نظر گرفتن ضرورت‌های عصر حاضر به تدوین راهکارهای علمی امنیت مشغول است و راهکارهایی که تغییرات ژئوپلیتیکی در عصر حاضر در اولویت اول قرار گرفته است. از جمله محققان این رویه می‌توان به «دیوید بالدوین» اشاره کرد. نگاه وی به امنیت نگاهی متمرکز است. چارچوب‌های تازه امنیتی در بعد بین‌المللی آن، محصول تفکرات جدید وی می‌باشد (بالدوین، ۲۰۰۴).

دانش امنیتی در عصر حاضر حفظ کننده و ارتقاء دهنده قدرت ملی است. اساساً سطح ضریب امنیتی یک کشور نسبت به سطح توسعه‌یافتگی آن یک عامل عمده برای ارزیابی قدرت ملی است. در اینجا می‌توان این نتیجه را گرفت که میزان توسعه اقتصادی هر کشور و میزان بهره‌مندی مردم آن کشور از رفاه عمومی و کیفیت متناسب و متعادل زندگی، تعیین کننده میزان امنیت ملی آن کشور است و اگر این سه فرایند در کنار هم باشند و به میزان مساوی مورد توجه قرار گیرند، سطح قدرت ملی آن کشور در سطح بالایی خواهد بود.

از سوی دیگر امروزه امنیت کشورها تنها با مفاهیم سنتی حفاظت از مرزها تأمین شدنی نیست. بلکه امنیت غذایی، بهداشتی، دارویی و اطلاعاتی و ... از عوامل اصلی امنیت ملی محسوب می‌شوند. بر این مبنا دانش و تحقیقات امنیتی تعیین کننده‌ای در تأمین شرایط جدید امنیتی دارند. مهمترین مصادیق در تحقیقات امنیتی عصر حاضر عبارتند از:

۱. فناوری‌های ارتباطی؛
۲. نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی؛
۳. هوا و فضا؛
۴. صنایع نظامی هوشمند؛
۵. ابزار جنگ نرم و فناوری اطلاعات و فناوری زیستی؛
۶. مطالعات سیاسی و قدرت ملی؛
۷. امنیت و اطلاعات؛
۸. تخصص محوری در زمینه امنیتی و عناصر مرتبط با آن.

امنیت، هویت و تسلط جهانی

مطالعات کلاسیک امنیت نشان می‌دهد که در گذشته، جنبه نظامی آن مورد توجه بوده است. یعنی نبود جنگ و درگیری مسلحانه به منزله امنیت و آسودگی مردم بود و در قرن بیستم بویژه در دهه ۱۹۴۰ میلادی جاه‌طلبی برای توسعه سرزمین‌ها به عنوان اصلی‌ترین علت نزاع بین‌المللی شناخته می‌شد و پذیرش معیار عدم دخالت به فرضیه ثابت مرزی مربوط می‌شد. وزارت دفاع و امنیت ملی به عنوان بالاترین اولویت کشورها بر اساس فرضیات ژئوپلیتیکی استوار بود. اما اکنون مطالعات گسترده در زمینه امنیت نشان از تغییر اساسی این رویکرد به مفاهیم امنیت دارد. بویژه وقوع حوادثی کاملاً متفاوت با دوره‌های گذشته باعث تغییر ذهنیت‌ها در خصوص امنیت شده است. لذا علاوه بر جنبه‌های نظامی، جنبه‌هایی چون اقتصاد، فرهنگ، مسئله قومیت‌ها و حواشی مسائل متعدد سیاسی نیز به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته است (آیتی، ۱۳۸۷).

دگرگونی نظام بین‌المللی نیز در نیم قرن اخیر باعث تغییر بسیاری از فرایندهای امنیتی شده

است. اما در این دیدگاه بیشتر از هر چیزی اندیشه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار شده‌اند. زیرا حوزه‌های ژئوپلیتیکی پایدار در حوزه امنیت بین‌الملل دچار جابجایی جغرافیایی شده است. یعنی تسلط جهانی اروپا و ارزشهای اروپایی پایان یافته اما جهان تسلط جهانی قدرت جایگزین یعنی آمریکا به شکل کلاسیکی قرون گذشته که توسط اروپا اعمال می‌شد را نپذیرفته است (کاظمی، ۱۳۸۴).

روشن است که در این شرایط، امنیت، محیط و بینش‌های مربوط به محیط‌زیست را به عنوان منابع خطر در نظر نمی‌گرفتند. اندیشه‌های اقتصادی قرن بیست هم چندان متوجه واقعیت‌های پنهان تهدیدات امنیتی و عناصر فوق نبود. این استدلال هنگامی شکل گرفت که رفته رفته آثار و شواهد آن در زندگی بشری نمایان شد (Galen, 1994: 87).

جغرافیای سیاسی و امنیت

در روند استدلالی که در فضای مطالعاتی امنیت بشر حاکم شده، متغیرهای ژئوپلیتیکی به وضوح تأثیر گذارند. لذا نقش ویژه جغرافیای سیاسی، سازماندهی فضا در سطح فراملی، ملی، ناحیه‌ای و محلی هم آشکارا دیده می‌شود. زیرا این جغرافیای سیاسی است که جایگاه و نقش استراتژیک مناطق را در کره زمین به لحاظ اهمیت جغرافیایی آن بیان می‌کند و در عصر حاضر نیز که دوره تحولات و دگرگونی‌ها نام دارد و شرایط جدیدی در نظام بین‌المللی حاکم شده است، یعنی دورانی که هیچ ثبات و دوامی در روابط بین دولت‌ها و عرصه بین‌المللی مشاهده نمی‌شود، این اهمیت را بیشتر می‌توان حس کرد.

با توجه به تجزیه و تحلیل فوق و مجموع رفتارهای امنیتی از جمله از طرف قدرتهای بزرگ می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- افزایش شرکت‌های امنیتی و پدیده فزاینده مناطق خاص امنیتی. به‌طور مثال آمریکا قصد دارد امور امنیت داخلی عراق و افغانستان را به شرکت‌های امنیتی واگذار کند که در حال آزمایش این مدل می‌باشد؛

- افزایش حفاظت‌های امنیتی به دورن زندگی افراد. این روش مدتهاست که در جامعه آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

- علائق جدید قدرتهای جهانی و اهداف پیش رو که آنها را وادار به تغییر رویه کرده است. «گرهارد لنسکی» عقیده دارد که یکی از معیارهای توسعه‌یافتگی در جوامع انسانی در نظر گرفتن تمام فرایندهای امنیتی در مقابل عوامل تهدیدزای ناشی از آثار توسعه‌یافتگی در جوامع انسانی است. زیرا تکنولوژی جامعه را طبقه‌بندی می‌کند و همین طبقه‌بندی آثار امنیتی پیچیده برای هر جامعه‌ای دارد (لنسکی، ۱۳۷۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث طرح شده نتیجه می‌گیریم که جهان معاصر به لحاظ چشم‌اندازهای امنیتی در دهه اول هزاره سوم میلادی با رخدادهای کم نظیر امنیتی مواجه شد که در آن نقش مدل‌های متغیر ژئوپلیتیکی بویژه در حوزه زمان و فضا بسیار چشمگیر بود. از طرفی دیگر ظهور و بروز چشم‌اندازهای انتقادی و افزایش نگرانی‌های جهانی از روند نامنی‌ها در جهان، ناشی از حوادث عجیب و غریبی است که در دنیای امروز به وقوع پیوسته است. بعد از پایان جنگ سرد انواع مفاهیم جانبی و حاشیه‌ای در کنار امنیت پدیدار گشته‌اند. البته مفاهیمی که کمک چندانی به ایجا ثبات امنیتی نکرده و همچنان نظریه‌پردازان امنیتی نگران وضعیت موجودند. هنگامی که تنش‌های جنگ سرد فروکش کرد و زمانی که سیاست‌های ابداعی گورباچف در سالهای دهه ۱۹۸۰ مؤثر واقع شد، انتقاد از امنیت ملی بار دیگر مسایل و بویژه نگرانی‌های محیطی را تحت لوای خود قرار داد. از اینرو موارد متعددی در دستورالعمل امنیت پس از جنگ سرد مطرح شد. امروزه تلاش زیادی می‌شود تا این دستورالعمل‌ها بر مبنای فرضیات در نظر گرفته شده برای بشر اجرا شوند. در جمع‌بندی موضوع فوق باید به این نکته اشاره کنم این که در شرایط موجود، یکی از مختصات مهم دانش امنیتی و مباحث مرتبط یا نزدیک به آن این بوده که تأثیر زیادی در رشد و توسعه یک کشور داشته است. بررسی شرایط فعلی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که نقطه تفاوت آنها با کشورهای عقب‌مانده، برخورداری از دانش‌های برتر در هر مقطع از تاریخ است و این مسئله همچنان دامن‌گیر بسیاری از واحدهای سیاسی است. در این حالت این رابطه معنا دار میان متغیرهای ژئوپلیتیکی و امنیت جهانی برقرار می‌شود که نقض هر یک از این دو عامل در مسائل جهانی

می‌تواند تبعات ناگواری را برای بشر در قرن بیست و یکم و در تمام زمینه‌ها بوجود آورد. اما از این نکته واقعی نباید غافل بود که امنیت در بعد استراتژیک آن امروزه با شاخص‌های متعددی در ارتباط است و هر واحد سیاسی به منظور کسب حداقل‌های آن باید شیوه استفاده و بکارگیری آنرا بلد باشد. امروزه عناصری همچون دستاوردهای تکنولوژیکی، گسترش امکانات بهداشتی، درمانی، رفاهی، آموزشی، ارتباطی، و خواست‌های مهم اجتماعی در عرصه‌های مختلف نقش مستقیم در ثبات یا بی‌ثباتی واحدهای سیاسی دارند.

«واگو» در این زمینه می‌گوید: نوآوریهای تکنولوژیکی بر بسیاری از الگوهای زندگی بشری از جمله نحوه کسب ثروت، قدرت، اوضاع فرهنگی و روابط انسانها اثر گذاشته است (واگو، ۱۳۷۳). در همین راستا شرایط پیچیده‌ای بر ابعاد زندگی بشری حاکم شده و اولین اثر مستقیم خود را بر فرایندهای مرتبط با امنیت گذاشته است. افرادی مثل «الوین تافلر» اعتقاد دارند که: دانش‌های امنیتی بویژه در حوزه استراتژیک امروزه فرارشته‌ای و تأثیرگذار در تمام زمینه‌ها هستند و در واقع دانش‌های استراتژیک که امنیت جزء مؤلفه‌های اصلی آن است، به مثابه دانش «مادر» هستند (تافلر، ۱۳۷۳). به عبارت دیگر حتی مواردی که قبلاً دور از ذهن از منظرگاه امنیتی بودند، امروزه در بحث امنیت و ناامنی نقش‌آفرینی می‌کنند. مثلاً اگر آب شرب یک نقطه جغرافیایی با آلودگی همراه شود همین مسئله ممکن است به بحرانی امنیتی با اشکالی غیرقابل پیش‌بینی برای آن نقطه جغرافیایی تبدیل شود. علاوه بر این نظریه‌پردازان حوزه ژئوپلیتیک معتقدند که هر کشوری بر اساس فعالیت‌ها و موفقیت‌هایی که توانسته در کوران رقابت‌ها بویژه در دوره‌های گذار و بی‌ثباتی بدست بیاورد، می‌تواند در دوره ثبات نقش‌آفرینی کند و جایگاه خود را تثبیت نموده و یا خود را بر بدنه هرم قدرت جهانی تحمیل نماید. مطابق با این اصل که یک فرضیه ثابت شده در علم ژئوپلیتیک است، می‌شود دوره طولانی ثبات و امنیت ایجاد کرد. اما آنچه در تغییر دستورالعمل امنیتی بشر در سده بیست و یکم نمایان‌تر از عناصر دیگر است، سیطره موج سوم ناامنی و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی در جهان است که خود ناشی از دوره سیال بودن ژئوپلیتیک و رقابت‌های کاذب قدرتهای جهانی می‌باشد و به قول «جفری کمپ» رقابت‌ها نه تنها شدیدتر شده بلکه باعث پیچیدگی امنیتی نیز شده است.

لذا کلام آخر اینکه در بررسی استراتژیک نظام امنیتی و بازخوانی ژئوپلیتیک جدید

(ژئوپلیتیک پست مدرن) با خصلت‌ها و کارکردهایی از این دو واژه حیاتی و سرنوشت‌ساز مواجه می‌شویم که در هر سه بعد ملی (محلی)، منطقه‌ای و جهانی در خور تأمل و بررسی‌اند. توان و توازن قدرت برای هر واحد سیاسی فعال به تأمین ثبات و امنیت آن واحد بستگی دارد. قلمروهای امنیتی، قلمروهای ژئواستراتژیک و نقشه ژئوپلیتیک نظام جهانی مبین اندیشه‌های جدید مطالعاتی در این موضوع مهم هستند که باید توجه کافی بدان نمود و شاخص‌های انتزاعی و انضمامی این سه مبحث مؤثر را در تحول ساختاری نظام فکری امنیتی و گرایش‌ات امنیتی را در مباحث مربوطه و تحقیقات و پژوهش‌های آن گنجانند. زیرا نظریه کمربند شکننده که دو دهه قبل مطرح بود ممکن است به بحثی مجزا برای هر یک از واحدهای سیاسی مؤثر تبدیل شود. که این خود نشان دهنده تأثیرات شگرف متغیرهای مدل‌های ژئوپلیتیکی در دیپلماسی و تنظیمات امنیتی عصر حاضر است. پس نتیجه می‌گیریم که مطابق با نظریات جدید رابطه نزدیک و تنگاتنگی میان متغیرهای مدل‌های ژئوپلیتیکی (بویژه عوامل و عناصر متغیر آن و یا تغییرات ساختار زیست محیطی مثل افزایش دمای کره زمین، افزایش آلاینده‌گی‌ها و آلودگی‌های زیست محیطی) و عوامل امنیتی جهان وجود دارد.

منابع

۱. آیتی، محسن (۱۳۸۷)، امنیت انسانی و کاربرد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی؛ دانشگاه بیرجند.
۲. ارجمندی‌فر، منصوره (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی، ارتباطات جهانی و امنیت انسانی؛ دانشگاه بیرجند.
۳. بوفر، آندره (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر استراتژی؛ ترجمه: مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی، بین‌المللی تهران.
۴. تافلر، آلوین و تافلر، هیدی (۱۳۷۳)، جنگ و پاد جنگ: زنده ماندن در سپیده دم قرن بیست و یکم؛ ترجمه: مهدی بشارت.
۵. بلیس، جان (۱۳۶۹)، استراتژی معاصر؛ ترجمه: هوشمند میرفخرایی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. دالبی، سیمون (۱۳۸۱)، تغییرات زیست محیطی و امنیت بشر؛ ترجمه: مرتضی قورچی.
۷. فصلنامه ژئوپلیتیک (۱۳۸۶)، سال سوم - شماره ۲ (شماره پیاپی ۸)، تابستان، تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم، ص ۹۲-۹۳.
۸. عاصف، رضا (۱۳۸۴)، عملیات و جنگ روانی (۲)؛ تهران: انتشارات معاونت اطلاعات ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده اطلاعات.
۹. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل؛ تهران: قومس.
۱۰. کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۲)، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم؛ ترجمه: جلال دهمشگیو، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.
۱۱. مرادی، آیت‌الله (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک.
۱۲. نوری دلویی، محمدرضا (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک در بلندای سده بیست و یکم؛ تهران: کانون دانش.
۱۳. واگو، استفان (۱۳۷۲)، تغییرات اجتماعی؛ ترجمه: احمدرضا نمرودی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
14. Colin S.Gray, The Geopolitics of super Power.
15. Hantington, Samuel P. (1993), The Clash of Civilizations.
16. Jeane J,Kirkpatrick. (1993), The Modernizing Imperative: Tradition and Change.
17. Blumenthal, Dan, Opening Statement at a U.S.- China Economic and Security.
18. Military Power of the People,s. (2006), China. P 29.
19. Galen Roger Perras, The Aleutian Island, Alaska, and American Military Strategy, 1867-1945.
20. U.S Energy Information Administration. (2002), Doe.Gov/Emeu/Cabs. <http://www/eia>.
21. Le Billon, P. (2001), The Political Ecology of War: Natural Resources and Armed Conflicts; Political Geography, Vol. 20, No.5, pp. 561.
22. Mahan, Interst of America in Sea Power.
23. U.S.A Department of Transportation. (2001), Bureau of Transportation Statistics, Annual Report, chap.